

یک اقتصاددان در گفت‌وگو با آتیه‌نو :

دغدغه پدران امروز، تعادل در آمد- هزینه خانوار است

اقتصاد کلان بر درآمدهای خانواده، پدر بیش از پیش خود را مسئول بر آوردن بخش اعظم نیازهای مادی همسر و فرزندان خود می‌پندارد. مسئله‌ای که علی‌حیات‌نیا، دکترای اقتصاد و عضوانجمن اقتصاد ایران بر آن تأکید دارد.

حیات‌نیا توضیح داد: «در شرایط فعلی اقتصادی، بخش عمده جامعه با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند. پدران نیز برای ارتقای مطلوبیت خانواده در کنار پاسخگویی به نیازهای اقتصادی که شاید توان آن‌ها برای برآوردن‌شان محدود یا نیازمند کار و تلاش بیشتر است، باید توجه داشته باشند که بخشی از وقت خود را به تأمین رفاه غیرمادی مثل در کنار خانواده بودن و استفاده از ظرفیت‌های معنوی (حضور در نشاط‌های گروهی و جشن‌های اعیاد) اختصاص دهند.»

او افزود: «علاوه بر این، در شرایط کنونی باوجود دشواری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، شاید استفاده از روش‌های مختلف سرمایه‌گذاری یا ظرفیت‌سازی مؤثر باشد. اینکه با ایجاد فعالیت و کار در کل اعضای خانواده، به نحوی تمام اعضا در ایجاد درآمد یا تلاش برای دستیابی به رفاه بیشتر اقتصادی سهمیم شوند و از این طریق، فشارهای مضاعف به نان‌آوران خانه همچون پدران کم شود.»

مشاغل خانگی

این عضو انجمن اقتصاد ایران، به نقش ایجاد کسب‌وکارهای خانگی و پاره‌وقت بر کاهش فشار اقتصادی روی پدران خانواده تأکید کرد و گفت: «این شکل از کسب‌وکارها علاوه بر خلق درآمد و توسعه سرمایه‌گذاری به تقویت روحیه همگرایی بین اعضای خانواده کمک چشمگیری می‌کند، همچنین می‌تواند مناسبات اقتصاد خانواده را بهبود بخشد و از فشار سنگین ناشی از تورم و گرانی‌های سرسام‌آور بر مادران و به‌ویژه پدران در تأمین نیازهای اساسی و معیشتی خانواده بکاهد.»

او ایجاد همگرایی بین اعضای خانسواده را امری لازم دانست و افزود: «در شرایط فعلی که مضللات اقتصادی بیشتر خانواده‌های ایرانی را درگیر کرده، باید ضمن تلاش در ایجاد همگرایی و همدلی بیشتر، از خریدهای غیرضروری خودداری شود. در این صورت امکان پس‌انداز هرچند اندک و محدود فراهم می‌شود. از این طریق محیط خانواده با ارتقای نسبی سطح اقتصادی خود، امکان تجربه فضای بی‌تنش و در عین حال صمیمی و آرامی را پیدا می‌کند.»



است به‌گونه‌های مختلف بر رفتار یک پدر تأثیر بگذارد. از برنامهریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های نادرست در سطح کلان جامعه، فشار بر دوش نان‌آوران و پدران خانواده‌ها را مضاعف کرده است.»

ساعات طولانی کار

این اقتصاددان ادامه داد: «چندشغلگی و ساعات کار طولانی به‌منظور تأمین مایحتاج یا حداقل نیاز خانواده‌ها به استهلاک پدران خانواده می‌انجامد. این موضوع در حال حاضر به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کلیدی پدران تبدیل شده است.» حیات‌نیا گفت: «در حال حاضر سهم هزینه‌هایی مانند مسکن و خورودخوراک در سبد خانوارها به‌شدت افزایش یافته و هزینه‌های تفریح، برنامه‌های سرگرمی و هنری و یا حتی هزینه‌های پوشاک بسیار تنزل پیدا کرده است. در این میان، برآوردن نیازهای اولیه و فیزیولوژیکی اعضای خانواده از اولویت‌های پدران امروزی محسوب می‌شود.»

این دکترای اقتصاد افزود: «دغدغه تأمین معیشت ممکن

با تأکید بر آن افزود: «سنگینی مشکلات اقتصادی ناشی از برنامهریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های نادرست در سطح کلان جامعه، فشار بر دوش نان‌آوران و پدران خانواده‌ها را مضاعف کرده است.»



حیات‌نیا در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» در پاسخ به اینکه شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی پدران در خانواده‌های ایرانی امروز از چه عواملی نشأت می‌گیرد، گفت: «کنش اقتصادی افراد عمدتاً متأثر از نیازهای آن‌ها و نیازها تعیین‌کننده شیوه و نوع واکنش و رفتار افراد هستند. کنش و واکنش پدران نیز مستثنی از این قاعده نیست. پدران به‌عنوان مدیران خانواده نقش مهمی در اقتصاد خانوار دارند و رفتارهای‌شان متأثر از یک‌سری متغیرهای اصلی از جمله تنظیم و تراز درآمد- هزینه خانوار است. آن‌ها عموماً سعی می‌کنند این تعادل را در موضوع درآمد- هزینه‌های خانواده برقرار کنند.»

خواسته‌های خانواده

او با اشاره به اینکه برآوردن خواسته‌ها و مطلوبیت خانوار برای پدران پراهمیت است، گفت: «با توجه به چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی در دهه اخیر و تشدید و تعمیق تورم و نبود توازن بین درآمد و هزینه خانوار، رفتارهای اقتصادی پدران در نقش مسئول اصلی اقتصاد خانواده، بیش از گذشته متأثر از اقتصاد کلان کشور است. به نظر می‌رسد سهم فشار بر پدران و مسئولیت بیشتر به‌خاطر اینکه بتوانند حداقل رفاه خانواده را در همان سطح سال گذشته حفظ کنند، بیشتر شده و فکر می‌کنم این موضوع مهم‌ترین چالش پیش روی پدران خانواده‌های امروز است.»

حیات‌نیا چندشغلگی را یکی از علل دغدغه‌مندی پدران در مدیریت اقتصاد خانواده دانست و گفت: «پدران در شرایط کنونی برای تأمین معیشت خانواده به تحمل کار بیشتر و حتی دو و سه شغله بودن ناگزیر شده‌اند که این مسئله به بروز تبعات خاصی منجر می‌شود.» کاهش سهم فراغت در ایجاد تعادل بین فراغت و کار و افزایش سهم کار در این تعادل از آثار چندشغله بودن پدران است که او



«نقش پدری در گذشته یکی از وظایف مردانه قلمداد می‌شد که با تأمین مسکن و معاش خانواده همراه بود. از مردان انتظار می‌رفت با مسئولیت‌پذیری همسر و فرزندان خود را تأمین کنند و در عین حال با اقتدار، خانواده را تحت کنترل و نظارت خود داشته باشند. با تغییر ساختار و کارکرد خانواده و جایگاه فرزندان نقش پدری نیز تغییر یافته است.» این‌ها بخشی از صحبت‌های فاطمه موسوی ویا، جامعه‌شناس و عضو گروه مطالعات زنان و خانواده انجمن جامعه‌شناسی ایران در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» است. مصاحبه با او را که با نگاهی جامعه‌شناختی، به بررسی تغییرات نقش پدری از گذشته تا امروز پرداخته، در ادامه می‌خوانید.

نقش پدر از گذشته تاکنون با چه تغییراتی همراه بوده است؟

در جامعه سنتی روستایی کودک نیروی کار است، اما در جامعه امروزی شهری، فرزندپروری نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت محسوب می‌شود و هزینه‌های کودک بخصوص آموزش و رفاه او بالاست. با شرایط اقتصادی سخت، مشاغل در معرض تغییر و... وظیفه تأمین معاش پدر خانواده روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود. از آنجا که اقتدار پدر به موفقیت او در تأمین معاش بستگی دارد، اقتدار مردان در خانواده نیز کم شده است. از سوی دیگر رابطه با همسر (مادر فرزندان) به‌عنوان بخشی از این معادله باید مدیریت شود. اختلاف بر سر شیوه فرزندپروری بین زن و شوهر چالش بزرگی در مناسبات خانوادگی ایجاد می‌کند.

رفتار پدران امروزی با پدران‌شان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟



اگر نگاهی به رویکردهای جامعه‌شناسانه در نقاط گوناگون جهان بیندازیم، آنچه برای مردان مطرح بوده نقش تأمین مالی مثل تهیه سرپناه، مواد غذایی، حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی از خانواده است که با نقش‌های جنسیتی مردانه نیز همخوانی دارد. مسئله این است که پدران چه در گذشته و چه امروز علاوه بر اینکه این نقش سنتی را بر عهده دارند، نقش تربیتی را نیز بر دوش می‌کشند. پدر همواره یک الگو برای فرزندان است. در هر جنسیتی که فرزند دارد این الگو بودن فرق می‌کند. پسران با داشتن الگوی پدری سختکوش و جدی که کارها را با برنامهریزی انجام می‌دهد، نقش‌های جنسیتی‌شان را از او یاد می‌گیرند. دختران با دیدن پدری حمایت‌گر و مهربان، می‌توانند شناخت و دانش خود را از مردها افزایش دهند و همچنین با پدرشان ارتباط عاطفی برقرار کنند. علاوه بر این‌ها، نقش پدر به‌عنوان یک حامی جدی برای دختران می‌تواند در افزایش عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس آن‌ها نقش ویژه‌ای داشته باشد.

نیازهای اساسی و ارگانیک‌های انسان که تاکنون شناسایی شده‌اند شامل دو گروه نیازهای فیزیولوژیکی شامل غذا، آب، سرپناه، پوشاک و... و نیازهای ارگانیک‌های روانشناختی شامل نیاز به خودمختاری یا استقلال، نیاز به شایستگی یا کفایت و نیاز به ارتباط است.

آبراهام مازلو، روانشناس آمریکایی معتقد بود که انسان به‌صورت پله‌ای در طبقات نیازهای فیزیولوژیکی به سمت خودشکوفایی حرکت می‌کند. اگر در هر مرحله نیازهای او برآورده نشود، امکان حرکت به طبقه بعدی را نخواهد داشت. مثلاً تا وقتی که فرد در برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی شامل آب و غذا ناکام باشد، به طبقه بعدی نیازهای خود دست پیدا نخواهد کرد و یا آن را احساس نمی‌کند. با توجه به این رویکرد، وظیفه پدر در خانواده تنها تأمین نیازهای مالی نیست. علاوه بر اینکه او باید محیطی گرم برای اعضای خانواده ایجاد کند حمایتگری، مهربانی، پشتیبانی و یاری‌رسانی به تک‌تک افراد خانواده نیز از او توقع می‌رود. در این مسیر نقش پدر که باید علاوه بر ابراز هیجانات خود باید به هیجانات همسر و فرزندان نیز پاسخ دهد، مؤثر و چشمگیر است.

ابرازگری مردان اصولاً تحت تأثیر یک‌سری نقش‌ها و دستورالعمل‌های فرهنگی قرار می‌گیرد. در فرهنگ‌های شبیه فرهنگ ایرانی که ابراز هیجانات برای مردان به‌نوعی سبک یا کوچک شدن و یا تقلیل اقتدار تعریف شده، یا گریه مردان نشانه ضعف و ابراز محبت از سوی مردان عامل تضعیف‌کننده مردانگی است، طبیعتاً ابرازگری هیجانی مردان به‌عنوان پدران آینده از این باورها متأثر می‌شود. قدر مسلم اینکه پدرها موظف‌اند نه‌تنها به حفظ سلامت روان خود، بلکه نسبت به سلامت روان خانواده حساس باشند. پدر در مقام یک الگو و مربی باید نیازها، هیجانات و افکار خویش را در بستر خانواده و در ارتباط با همسران و فرزندان بیان کند. او به‌طور متقابل باید شنونده نظرات، هیجانات و دیدگاه‌های همسر و اعضای خانواده باشد. اصولاً ابراز احساسات در محیط خانواده به ارتقای کیفیت رابطه کمک چشمگیری می‌کند؛ چراکه ابراز احساسات نشان می‌دهد رابطه فعال، پویا و زنده است. طبیعتاً پدران گذشته به‌خاطر سطح پایین تر سواد و آگاهی در جامعه و نبود آموزش برای این مسائل، کمتر به ابراز هیجانات و احساسات خود اهمیت می‌دادند.

به مرور با افزایش دانش و تحصیلات دانشگاهی و بخصوص ارتقای میزان اطلاعات روانشناختی جوامع امروز، پدران زمان بیشتری برای فرزندان خود صرف کرده و همچنین در مورد هیجانات و شرایط خودشان بیشتر صحبت می‌کنند.

تغییر نقش پدری در سایه تحول ساختار خانواده



دختر وقت محدودتری را صرف بازی با او می‌کند. در سال اول و دوم مدرسه که کودک با حروف الفبا آشنا می‌شود و سواد خواندن می‌آموزد، همراهی یک بزرگسال در رسیدگی به تکالیف مدرسه و ایجاد نظم در کودک مهم است. عمدتاً از زنان انتظار می‌رود این وظیفه را انجام دهند؛ زیرا در ساعات بعدازظهر یا عصر که کودک تکالیفش را انجام می‌دهد، مرد هنوز سرکار است، اما گذران وقت توسط پدر با پسر نوجوان بخشی از تربیت و جامعه‌پذیری اوست و در شخصیت پسر نوجوان تأثیر مهمی دارد.

پدران امروزی با چه چالش‌ها و مشکلاتی روبه‌رو هستند؟

در زمینه فرزندپروری، والدین می‌کوشند با راهنمایی‌های خود، زندگی بهتر و مساعدتری برای کودکان فراهم کنند. با این حال مرز اینکه تا کجا آن‌ها را هدایت می‌کنند و از کجا به بعد علائق خود را تحمیل می‌کنند، مبهم است.

در گذشته تقسیم کار جنسیتی در خانواده اقتضا می‌کرد مرد در جایگاه پدر قطب اقتدار و انضباط و زن در جایگاه مادر قطب عاطفه و مراقبت باشد. اما امروزه انتظار می‌رود مردان نیز در نگهداری از کودک مشارکت داشته باشند و روانشناسان تأکید دارند کمک مرد در نگهداری از کودک برای شکل‌گیری رابطه عاطفی پدر- فرزند می‌مهم است و موجب جلوگیری از استرس مادر در والدگری می‌شود. مردانی که تحصیلات بیشتری دارند، بیشتر در نگهداری فرزند مشارکت دارند. مردانی که منابع مالی بیشتری دارند، یا به دلیل شغل آزاد یا تدریس ساعات کاری منعطف دارند، بهتر می‌توانند در مراقبت از فرزند همراهی کنند. بازی با کودک بخشی از فرایند آموزش اوست که به شکل‌گیری روابط عاطفی بین کودک و بزرگسال کمک می‌کند. گویا جنسیت فرزند در مدت‌زمانی که پدر برای بازی می‌گذارد مهم است. هرچه مرد سنتی‌تر باشد با بزرگ‌تر شدن فرزند

حفظ بین انضباط و تحمیل سخت به نظر می‌رسد. پدران امروزی از یک طرف باید به خواسته‌های فرزند خود توجه کنند و از سوی دیگر دستور ندهند و اطاعت نخواهند. این شرایطی که دربار‌هاش آموزشی ندیده‌اند مشکل است. بخصوص فرزند نوجوان و استفاده او از فناوری‌های جدید چون تلفن همراه هوشمند و تبلت چالش‌های جدیدی به وجود می‌آورد؛ از کنترل کردن ساعات کار با این دستگاه‌های بازی خانگی و مانند آن‌ها تا محتوایی که در فضای مجازی به آن دسترسی دارد.

عوامل برجسته و اصلی ناراضایتی پدران چیست؟ در جامعه امروز ایران دولت و گفتمان رسمی همچنان مردسالاری سنتی را از طریق قوانین نابرابر بازتولید می‌کنند. با این وجود ساختار اقتصادی بحران‌زده به فقر و بیکاری گسترده انجامیده که به نوبه خود نقش نان‌آوری مردان را زیر سؤال می‌برد، آن‌هم در شرایطی که فرهنگ مصرف سطح رفاه مورد انتظار در خانواده را افزایش داده است. مهم‌تر اینکه، بحران معنا با تحت‌تأثیر قرار دادن مردان طبقه متوسط، آن‌ها را بخصوص در نهاد خانواده و شیوه تعامل با همسر و فرزندان دچار چالش کرده است. آن‌ها می‌کوشند مرد خوبی باشند، با کودکان خود وقت بگذرانند، به نظرات و نیازهای عاطفی همسر و فرزندان توجه نشان دهند و در عین حال اقتدار مردانه را حفظ کنند. از یک طرف بابت صرف‌نظر کردن از حقوق قانونی خود در محدود کردن همسر و فرزندان و داشتن بیش از یک زن، انتظار تحسین و در عین حال بابت بار گران‌مهریه و نفقه شکایت دارند. از طرفی می‌خواهند زندگی خانوادگی عاشقانه و پر از آرامشی داشته باشند و در عین حال نگران هستند با انعطاف بیش از حد، ارزش‌های مردانه عدول کنند. شاید این تصور در آن‌ها ایجاد شود که زن در حال سوءاستفاده از آن‌هاست و فرزندان قدرشناس هستند. باید این دغدغه‌ها را به رسمیت شناخت و به مردان و پدران کمک کرد تا با تغییرات فرهنگی همراه شوند.